

دکتر احمد مهدوی دامغانی

مآخذ ابیات عربی مرزبان نامه

اذا عظم المطلوب قلّ المساعد . (ص ۱۴۲) .
ترجمه : چون خواسته شده بزرگ باشد یاری دهنده و پایمرد (برای یافتن آن) کم شود.
ایضاً مصرع بیتی است از منتجبی در قصیده‌ای که ذکر آن چند سطر پیش گذشت.
(دیوان ص ۲۶۳)

بفاؤك غینا نعمة الله عندنا فمجن بأوفى شكره نستديمها (۱۴۲)
ترجمه : ماندن تو در میان ما نعمت خداوندی در ازد ماست پس ما به (وسیله) رسانین
سپاسگزاری از خداوند جاودانه ماندن آن نعمت را می‌خواهیم .
این بیت مقطع قصیده‌ایست از بختری در مدح (المهتدی بالله) بمطلع :
سقی دار لیلی حیث حلت رسوما عها من الوسمی وطف غیوما (۶۹)

ایها المنکح الثریا سهیلا عمرک الله کیف یلتقیان
هی شامیة اذا ما استقلت وسهیل اذا استقل یمان . (ص ۱۴۳)
ترجمه : ای آنکه «ثریا» را بهمسری «سهیل» دادی خدای ترا هم‌دهاد این دو چه سان
بهم خواهند رسید ؟ «ثریا» چون بتهایی و خودی خود باشد (اوج و ارتفاع گیرد) شامی است
(سوی شمال می‌رود) و «سهیل» چون بتهایی و خودی خود باشد (اوج و ارتفاع گیرد) یمنی است
(سوی جنوب می‌رود) .

ابیات مشهور (عمر بن ابی ربیعة مخزومی) است در باره «ثریا» دختر علی بن
عبدالله اموی که در جمال بیهمتا بوده و شاعر نیز بدو نظری داشته است و عروسی او با

(سهیل بن عبدالرحمن بن عوف) و استخدام نام دو ستاره (ثریا و سهیل) که با اعتقاد منجمین اولی ستاره یا مجموعه ستارگانی است که فقط در آفاق شمالی مرئیست و دومی فقط در آفاق جنوبی جزیره العرب مرئیست درباره آن عروس و داماد است .

باری این ابیات که انتخاب آن به عمر بن ابی ربیعہ بحد تواتر و شیاع رسیده است در دیوان او نیامده ولی در بسیاری از مراجع چون (اغانی) و (زهر الاداب) و (تاج العروس) و غیره بنام عمر ثبت شده است و بقراری که ناشر طبع اخیر دیوان در میان ابیات منسوبه بعمر در آخر دیوان نقل کرده است این دو بیت جزو مقطوعه چهاربیتی بدین شرح است :

ایها الطارق الذی قد عنانی بعد ما نام سامر الرکبان
زار من نازح بغیر دلیل یتخطی السیّ حتی اثنائی
ایها المنکح

و رجوع فرمایند بتضمین بسیار لطیف و دلکشی که (ابن العربی) در قصاید «نظامیات» خود از این بیت فرموده است که ضمن آن در مقام تکذیب عمر بن ابی ربیعہ بر آمده و چنین میگوید :

..... هی بنت العراق بنت امام وأنا ضدها سلیل یمان
هل رأیتم یا سادتی أوسمعتم انّ ضدین قطّ یتجمعان
لوترانا «برامسه» نتعاطی اکوؤسا للهوی بغیر بنان
لرأیتم ما ینذهب العقل فیه یمن و العراق معتنقان
کذب الشاعر الذی قال قبلی و باحجار عقله قد رهانی
ایها المنکح الثریا
(محاضرة الابرار ۲-۲۲۲)



کراج آب مکسور النصاب

بانوجه بر آنچه مرحوم قزوینی قدس سرّه در پاورقی مرقوم فرموده است ظاهراً همان ضبط متن (یعنی : راج بجیم) صحیح است و معنای آن نیز واضحست یعنی : چون (شکارچی) امیدواری که با کارد دسته شکسته بر گردد (بسبب شکستگی

دسته کرد بشکاردست نیافته باشد) یا: چون امیدوار (بدریافت مال وصله) که بکومتر از اندازه (ونصابی که وصول آنرا چشم داشت) باز گردد. والله اعلم.

~~*

وایاک والامر الذی ان توّسعت موارد ضاقت عليك المصادر
شرح لازم درباره این بیت و بیان اختلافات راجع بقائل آن در (مآخذ ایات
کلیله و دمنه) سابقا در مجله یغما چاپ شده است.

~~*

ولیس امری فی الناس أنت سلاحه عشیه یلقى النائبات باعزلا (ص ۱۴۸)
البته خوانندگان فاضل توجه فرموده اند که بسبب تقصیر مطبعه در متن
مرزبان نامه (باعزلا) بصورت باعزل چاپ شده است.
ترجمه - مردی از مردمان که توسلاح و سازجنگش باشی در شامگاهی که بامصیبتهاروبرو
گردد بی سلاح و سازوبرگ نیست.

این بیت از قصیده فائقه (ابی تمام) است در مدح (محمد بن عبدالملک الزیات)
وزیر و دبیر و شاعر مشهور بمطلع:

لهان علینا ان نقول و نفعلا وند کر بعض الفضل منك فتفضلا

وضبط دیوان در بیت مانحن فیه بجای (انت) (کنت) است. (دیوان ص ۲۵۲-۲۵۵)

~~*

فبادر بمعروف اذا کنت قادرا حذار زوال اوغنی عنک یعقب (۱۵۰)
ترجمه - پس بشتاب به کاری نیک هر گاه که توانا بودی از بیم آنکه (مادا) از دست رفتن
(توانایی) یا بی نیازی (آنکه بتو نیازمند بود) از تو در دنباله بیاید.

این آخرین بیت مقطوعه سه بیتی است که گوینده آن را به تحقیق توانسته ام
معین کنم و شاید از آن «معربن زائده شیبانی» امیر دلیر و بخشنده مشهور قرن
دوم باشد و اینک آن سه بیت:

اذا نوبه نابت صدیقک فاغتمم مرقتها فالدهر بالناس قلب
فأحسن ثوبیک الذی انت لابس وأفره مهريک الذی لیس یرکب
فبادر بمعروف اذا کنت قادرا زوال اقتدار اوغنی عنک یرکب

بطوری که ملاحظه میشود ضبط بیت مانحن فیه با ضبط مرزبان نامه اختلاف دارد و در این ضبط (زوال) و (غنی) مفعول به است از برای (بدر) و شاید این ضبط از نظر ترکیب (وهم از نظر معنی بمناسبت یدهب بجای تعقب) درست تر باشد. (الکنی واللقاب مرحوم محدث قمی طاب ثراه ج ۱ ص ۳۳۶).

وكانت لوعة ثم استقرت كذاك لکل سائلة قرار
ترجمه - و دردی سوزناک بود و سپس آرام گرفت و چنینست که برای هر سیل خروشان
قرار گاهیت .

این بیت که مضمون مصرع اخیر آن ضرب المثل است و مکرر از طرف
شاعران در شعر آمده است از «ابی تمام طائی» است در قصیده بمطلع :
نوار فی صواحبه نوار كما فاجاك سرب اوصوار (ص ۷۰)

ما الحبّ الا للحبيب الاوّل
ترجمه - دوستی و دلبستگی (باقی) نیست مگر برای اولین دوست و محبوب .
ایضاً مصرع اخیر بیتی است او «ابی تمام طائی» که تمام آن چنین است:
نقل فؤادك حيث شئت من الهوی ما الحبّ الا للحبيب الاوّل (ص ۵۷)

پوشگاه بامداد و مطالعات فرهنگی

سحر که زهره بدامان چرخ رخشان بود
به پاره پاره آن ابر آتشین دیدم
مثال روی تو افسونگر از کران افق
نظر بکوه فکندم کبود و خواب آلود
چو نیمه رنگ هوا دل بصبح روز وصال
نسیم گوئی سرگشته همچو من هرسو
چو لحن دلکش دستانگر تو بر سر شاخ
نگاه کردم بر خانه های رفته بخواب
چو خاطرات زمان گذشته منظر شهر
هوانه تیره نه روشن، زمان نه روز و نه شب
خیال چشم تو دل را گرفته دامان بود
شرار آتش مهرت که بر دل و جان بود
جمال ماه بمغرب هنوز تابان بود
بزیر برف و مه شامگاه پنهان بود
هنوز با شب غم دست در گریبان بود
بجستجو پی راهی بکوی جانان بود
هزار نغمه به لحن هزار دستان بود
امید خفته درین خانه ها فراوان بود
خموش و تیره ولی جا بجا چراغان بود
فلک برنگ، نه فیروزه و نه مرجان بود
پروین بامداد